



«سور» و سوگ!

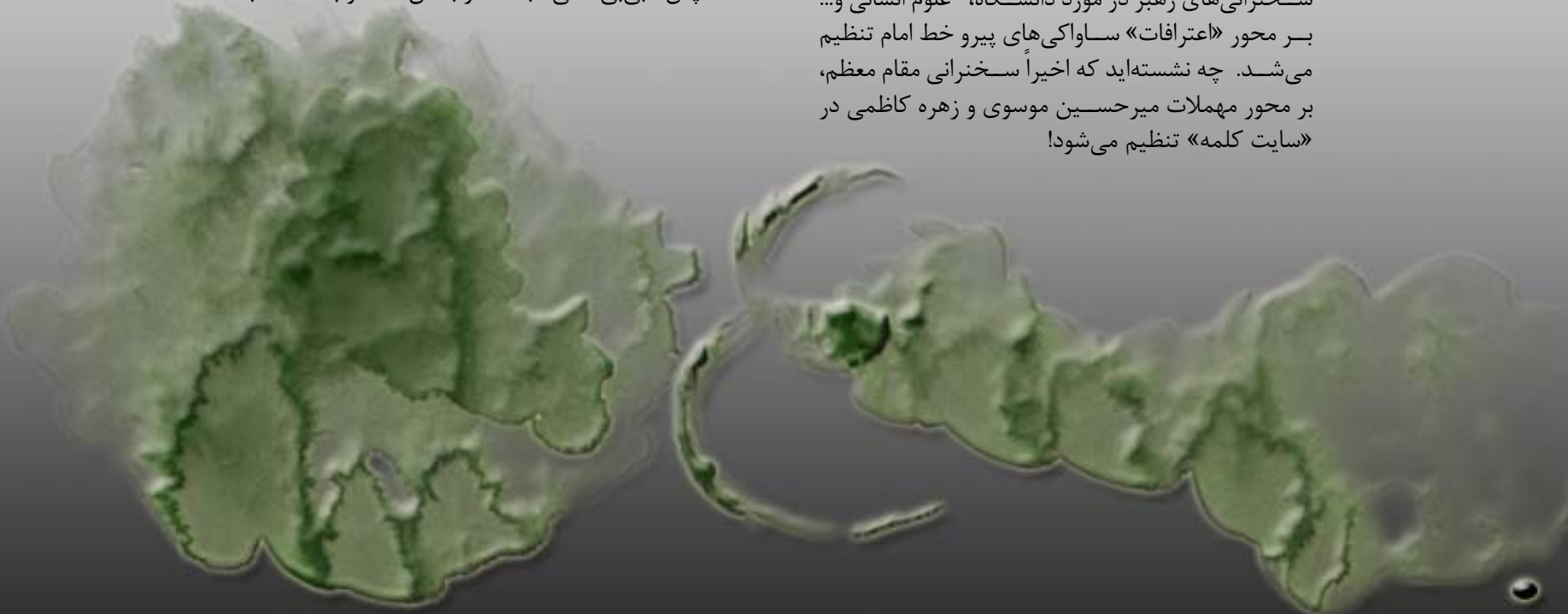
امروز علی خامنه‌ای با صدور فتوی در مورد چهارشنبه سوری رسماً در «سنگ‌رحق» جنبش سبز در کنار دارودسته میرحسین موسوی نشست. رهبر مفلوک حکومت جمکران و «فاشیست - مسلمان‌های» جنبش سبز فرصت کافی خواهند داشت تا چهارشنبه سوری را در کنار عیال روشنفکر میرحسین و خود میرحسین به برگزاری مراسم روزه و زوزه برای «شهدا» تبدیل کنند.

به یاد داریم که رهبر فرزانه پس از کودتای ناکام هیژاکسنسی در شبه‌انتخابات خردادماه ۱۳۸۸، یک هفته خفقان اختیار کردند و ناگهان به



«سایت کلمه»، سایه خداوند، یا بهتر بگوئیم سایه کارفرمایان بی بی سی در لندن است. پیام های ارباب ابتدا در لابلای «مصاحبه» در سایت کلمه منتشر می شود، سپس «بی بی سی» با انتشار بخش «مطلوب» مصاحبه

یاد آوردند که در حکومت اسلامی «قانون می باید رعایت شود.» اما هم سوئی خامنه ای با گروه میرحسین موسوی از طرق دیگر همچنان ادامه یافت. به این ترتیب که سخنرانی های رهبر در مورد دانشگاه، علوم انسانی و... بر محور «اعترافات» ساواکی های پیرو خط امام تنظیم می شد. چه نشسته اید که اخیراً سخنرانی مقام معظم، بر محور مهمات میرحسین موسوی و زهره کاظمی در «سایت کلمه» تنظیم می شود!



سهراب‌ها، سیدعلی‌ها، اشکان‌ها و روح‌الامینی‌ها و...
را گرامی خواهیم داشت و هیچ گونه تندی و خشونت
نخواهیم ورزید.»

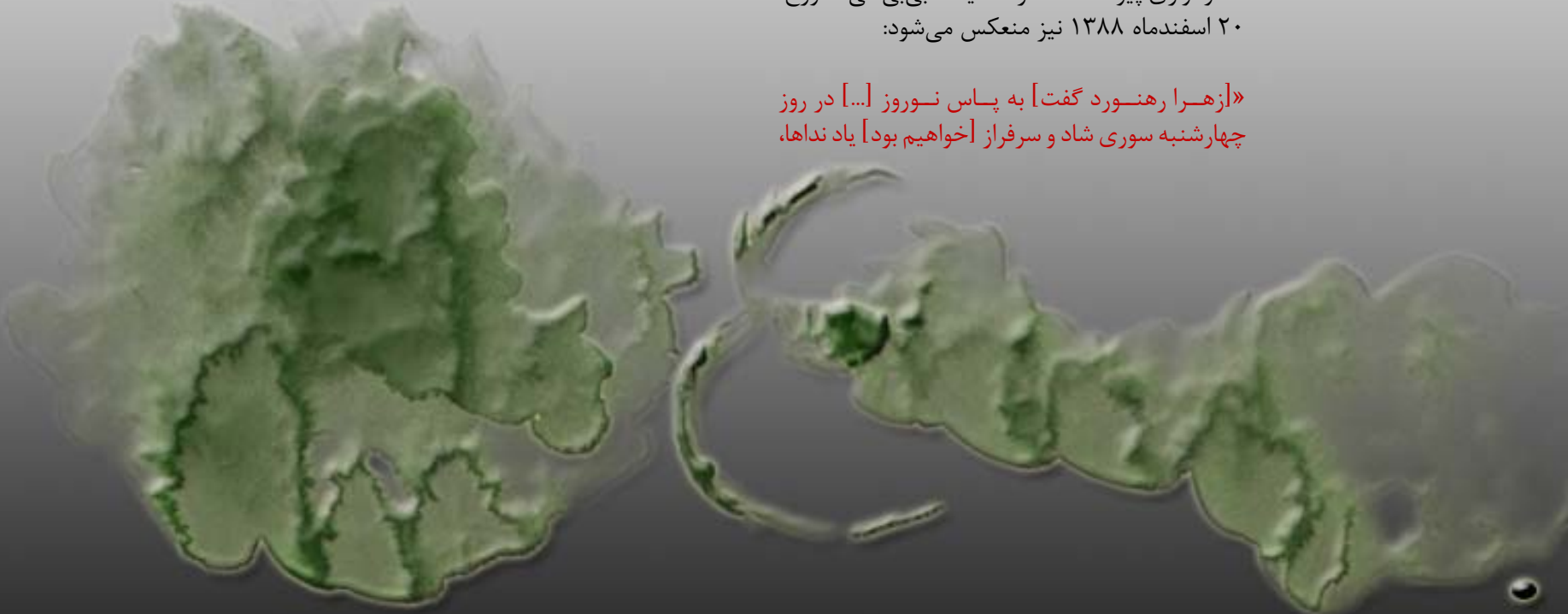
برگزاری مراسم سوگواری و گرامیداشت یاد «نداه‌ها و سهراب‌ها» که «سیدعلی‌ها» نیز به آن افزوده شده، نشان می‌دهد که هیچ خشونت در کار نخواهد بود، جز «تخریب» چهارشنبه سوری! انتشار این بخش خاص از مصاحبه مبتذل و سرشار از بلاهت رهنورد در واقع چراغ سبز کارفرمایان «بی‌بی‌سی» به حکومت اسلامی است جهت تداوم تخریب فرهنگی. پیش از ادامه مطلب یادآور شویم، در این وبلاگ به بررسی تبلیغات رسانه «رسمی» حکومت اکتفا خواهیم کرد.

در این راستا، یک روز پس از انتشار بخش برگزیده مصاحبه رهنورد در سایت بی‌بی‌سی، حناز چوبه، فتوی ابلهانه آخوند مکارم را در مورد چهارشنبه سوری و «عید» منتشر می‌کند. و امروز هم نوبت به علی خامنه‌ای رسید که از نو خوراک تبلیغاتی ارباب را که توسط موسوی، رهنورد و مکارم جویده شده نشخوار نماید. اما بی‌بی‌سی، کلمه و حناز چوبه در این عملیات ایران‌ستیز تنها نیستند، رادیوفردا تخریب فرهنگی را به شیوه مزورانه‌تری انجام می‌دهد. این رسانه مقدسات دین اسلام و بی‌بی‌گوزک‌های صحرای کربلا را به فرهنگ اقوام ایرانی وصله می‌کند، آنهم از زبان نخبگان خیابانی حکومت اسلامی! پیشتر همین رسانه، از زبان فرهیختگان مزدور و دین‌فروش، امام سوم شیعیان را با پرسوناژ سیاوش

کذا، «پیام» ارباب را به مقام رهبری می‌رساند. به این ترتیب است که حناز چوبه پروپاگاندا تولید «بی‌بی‌سی» را به صورت «فتوی» از زبان سگ‌های‌هاستعمار از قبیل مکارم شیرازی و علی خامنه‌ای منتشر می‌کند. به موازات محور ایران‌ستیز «بی‌بی‌سی» - کلمه - حناز چوبه، پروپاگاندا انسان‌ستیز «رادیوفردا»، در ظاهر جهت تأیید «ایرانی‌ات»، و در واقع جهت تخریب آن مقدسات را به «ایرانی‌ات» پیوند می‌زند. هدف پروپاگاندا انسان‌ستیز آنگلساکسون‌های دو سوی آتلانتیک همچنانکه گفتیم تشویق همزمان «تقدس» و «ابتدال» است و اکنون «چهارشنبه سوری» به ابزار همین پروپاگاندا مهوع تبدیل شده.

در مورد چهارشنبه سوری روند پروپاگاندا چنین است: ابتدا موسوی ضمن مصاحبه با «سایت کلمه» به نشخوار کالای تولید ارباب پرداخته، حساب خود را از این فرهنگ ایرانی که فاقد تقدس است جدا می‌کند. یادآور شویم در وبلاگ «بازگشت جکی» به این امر اشاره کردیم، پس بگذریم و بازگردیم به فعالیت تخریبی سایت کلمه. پس از موسوی، نوبت به عیال‌اش می‌رسد تا جویده‌های «آقا» را یک‌بار دیگر نشخوار کند. زهره کاظمی طی مصاحبه با سایت کلمه، چهارشنبه سوری را روز آرامش و مرده‌پرستی اعلام کرده می‌گوید، «به پاس نوروز، روز چهارشنبه سوری را در کمال شادی به گرامیداشت یاد شهدا می‌گذرانیم!» از قضای روزگار، همین اظهارات مزورانه که چهارشنبه سوری و نوروز را به مرگ و سوگواری پیوند داده، در سایت «بی‌بی‌سی» مورخ، ۲۰ اسفندماه ۱۳۸۸ نیز منعکس می‌شود:

«[زهره رهنورد گفت] به پاس نوروز [...] در روز چهارشنبه سوری شاد و سرفراز خواهیم بود! یاد نداه‌ها،



در شاهنامه فردوسی در ترادف قرار داده بود و از آنجا که آنگلساکسون‌ها به ایجاد «سنگر حق» علیه باطل علاقه فراوان دارند، همواره «حق» با آنان خواهد بود!

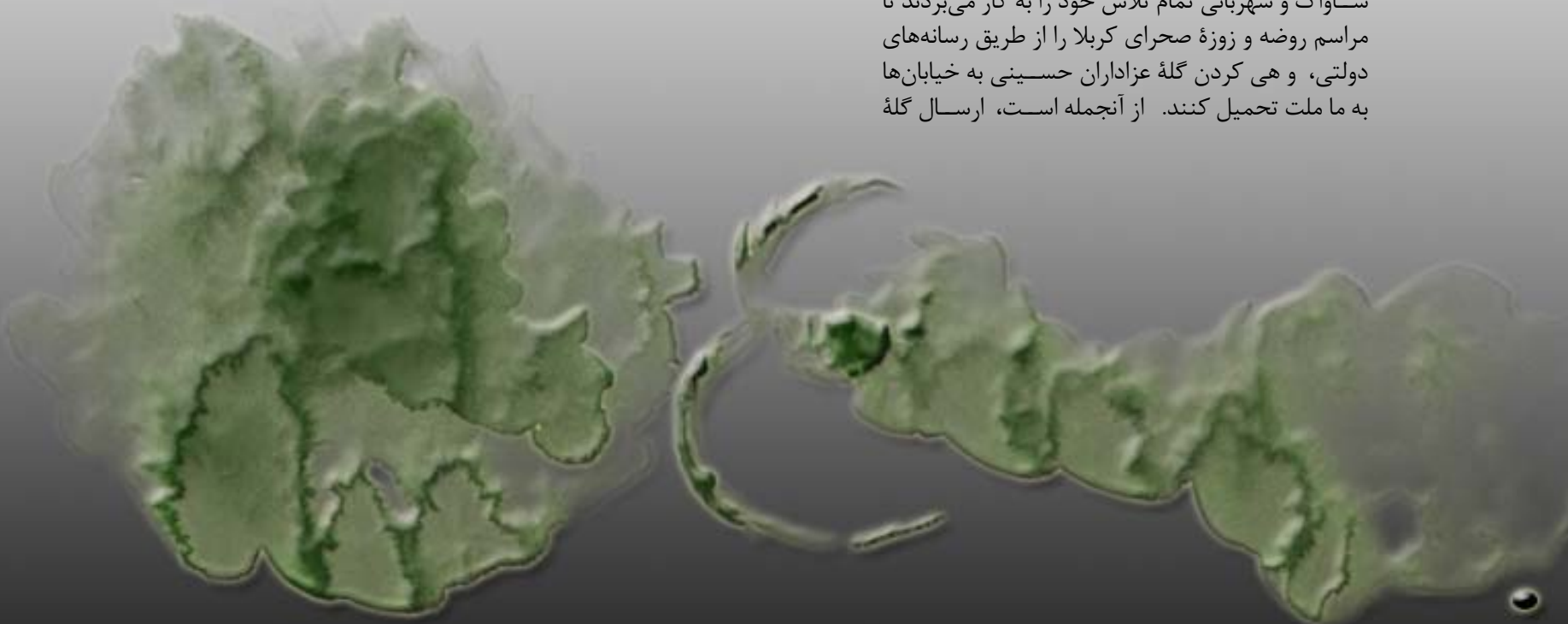
باری، دو روز پس از انتشار مصاحبه فرضی رهنورد با سایت میهم و بی‌صاحب «کلمه»، رادیوفردا، مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۸۸، در مطلبی تحت عنوان «چهارشنبه سوری»، به قلم شیوای «مجید محمدی»، جامعه شناس و در واقع از متخصصان دوخت و دوز استحماری، چهارشنبه سوری را در رده «باورهای مذهبی دگرپاشانه» طبقه بندی می‌کند! حال آنکه زرتشتیان، «پریدن» از روی آتش را اصولاً نکوهیده می‌شمارند. اما هیچ اهمیتی ندارد، هدف اصلی پروپاگاند رادیوفردا گسترش ابتدال است، «جامعه شناسی» فرضی مجید محمدی هم در مسیر گسترش ابتدال رادیوفردا قرار می‌گیرد:

«حدود سه دهه است که حکومت دینی به مبارزه‌ای بی‌امان با چهارشنبه سوری و سیزده به در و برخی دیگر از باورها و رفتارهای مذهبی دگراندیشانه و دگرپاشانه می‌پردازد.»

از قضای روزگار واقعیت جز این است! جناب «پروفیسور» مجید محمدی سخت در اشتباه‌اند! پیش از استقرار حکومت توحش نیز نوروز به زبان مقدس اسلام آلوده شده بود، و اگر اشتباه نکنیم، آنرا «عید سعید باستانی» می‌خواندند و «حلول» این «عید» را با غرغره کردن «یا مقلب القلوب...» به ما «تهنیت» می‌گفتند. همچنین، ساواک و شهربانی تمام تلاش خود را به کار می‌بردند تا مراسم روضه و زوزه صحرای کربلا را از طریق رسانه‌های دولتی، و هی کردن گله‌ عزاداران حسینی به خیابان‌ها به ما ملت تحمیل کنند. از آنجمله است، ارسال گله

سیاه‌پوشان به اتوبان پارک وی در حوالی هتل هیلتون، ایجاد یک راه‌بندان مختصر و مفید نیم ساعته آنهم در ساعتی که بسیاری از اهالی مرزپرگهر، از جمله نویسنده این وبلاگ ناچار بودند از همین مسیر عبور کنند! این مختصر را گفتیم تا اهالی رادیوفردا بدانند و آگاه باشند که بساط لات‌بازی و لشکرکشی خیابانی، و دکان‌داری برای عزداران حسینی پیش از استقرار حکومت اوباش در ایران افتتاح شده بود، و در اواخر دوران شاه نمایشات این گروه با رهنمودهای ساواک در برابر هتل هیلتون تهران به مورد اجرا گذاشته می‌شد! بگذریم.

هزاران بار گفته‌ایم، باز هم می‌گوئیم که آلودن سنت‌های غیرمقدس اقوام ایرانی به «سیاست» آن‌ها را از محتوای فرهنگی‌شان تهی خواهد کرد. سیاسی کردن فرهنگ، یک روند استعماری است جهت تخریب و پوچ‌سازی آن. به محض استقرار حکومت توحش اسلامی، چهارشنبه سوری، نوروز و سیزده‌بدر به اهداف سیاسی تبدیل شد و اکنون کار بجائی رسیده که رسانه رسمی حکومت جمکران، یعنی «حناز چوبه» مفلوک که جنبش مشروطه را به سفارت انگلستان پیوند می‌زند و از ترور زنده‌یاد احمد کسروی تجلیل به عمل می‌آورد، به خود اجازه داده در مورد چهارشنبه سوری از یک شیخ جنایتکار و تاراجگر به نام مکارم شیرازی «استفتاء» هم بکند! می‌بینیم که زهره کاظمی در تلاش‌های استحماری خود جهت تخریب فرهنگ ایران زمین تنها نمانده. به رغم ادعای مخالفت با دارودسته موسوی، رسانه رسمی حکومت سنگسار و قصاص در هم‌سوئی کامل با جنبش سبز و در مسیر



گسترش توحش گام برمی‌دارد. پیش از ادامه‌ی مطلب لازم است در زمینه‌ی توزیع رایگان «جایزه» به زن‌نمایان جمکران یعنی همان «آش‌فروشان» در محل «شرکت گوگل»، به چند نکته اشاره کنیم.

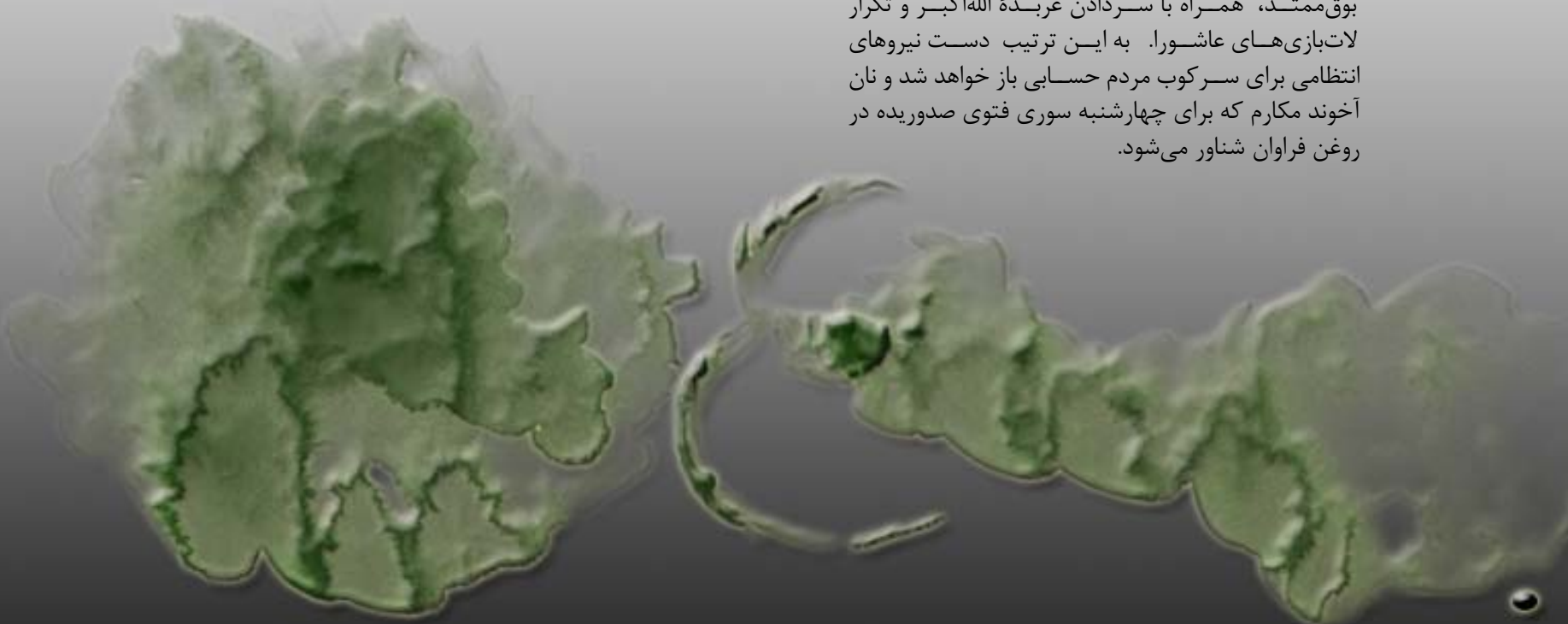
صریحاً بگوئیم، کمپین «تغییر برای برابری» هیچ ارتباطی با دمکراسی و آزادی‌بیان ندارد. اهداف استحماری این کمپین به جایگزینی حقوق و آزادی‌های زنان با «حضور زن» در جامعه محدود می‌ماند. پس شرکت «گوگل» موضع خود را مشخص کند. یا این شرکت آنگونه که ادعا دارد مدافع آزادی بیان و دمکراسی است یا اینکه همچون محفل «ژان ماری کلمبانی» از فدائیان اسلام مترقی، تعدد زوجات با کسب اجازه همسر، و روسری مدرن و پیشرفته است. شترسواری دولا دولا نمی‌شود! در ضمن شرکت بسیار محترم گوگل بهتر است توضیح دهد به چه دلیل داکيومنت‌های گوگل، وابسته به وبلاگ‌های «ناهد رکسان»، مورخ ۲۲/۸/۲۰۰۸ تا ۲۳/۱۰/۲۰۰۸ توسط مسئولین محترم این شرکت مسدود و سانسور شده! جالب این است که هیچکس نمی‌تواند به این مسئولان محترم مدافع «آزادی بیان» دسترسی داشته باشد! نکند سانسور هم در قاموس شما نوعی دفاع از آزادی بیان به شمار می‌رود و تا به حال نگفته بودید؟! از مطلب دور افتادیم، بازگردیم به تخریب چهارشنبه‌سوری توسط گورکن‌ها.

برنامه طاعون سبز برای تبدیل «چهارشنبه‌سوری» به ابزار برگزاری مراسم روزه و زوزه و سوگواری برای «شهدا» عبارت است از آتش زدن اتومبیل‌ها، ایجاد آتش‌سوزی، بوق‌ممتد، همراه با سردادن عربده‌الله‌اکبر و تکرار لات‌بازی‌های عاشورا. به این ترتیب دست نیروهای انتظامی برای سرکوب مردم حسابی باز خواهد شد و نان آخوند مکارم که برای چهارشنبه‌سوری فتوی صدوریده در روغن فراوان شناور می‌شود.

گفتیم که حنازچوبه در مورد چهارشنبه‌سوری از آخوند مکارم شیرازی «استفتاء» کرده، مکارم هم فرموده‌اند، که این مراسم خرافی و بی‌اساس است. حنازچوبه، مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۸۸، فرمایشات مضحک مکارم را با کد خبر: ۱۰۱۰۱۳۱ منتشر کرده:

«بسمه تعالی، مراسم چهارشنبه‌سوری یک امر خرافی و بی‌اساس است و مسلمانان با تقوا و فهمیده از آن اجتناب می‌ورزند، ولی بسیاری از مراسم عید اموری است عقلایی و مفید و زیبنده.»

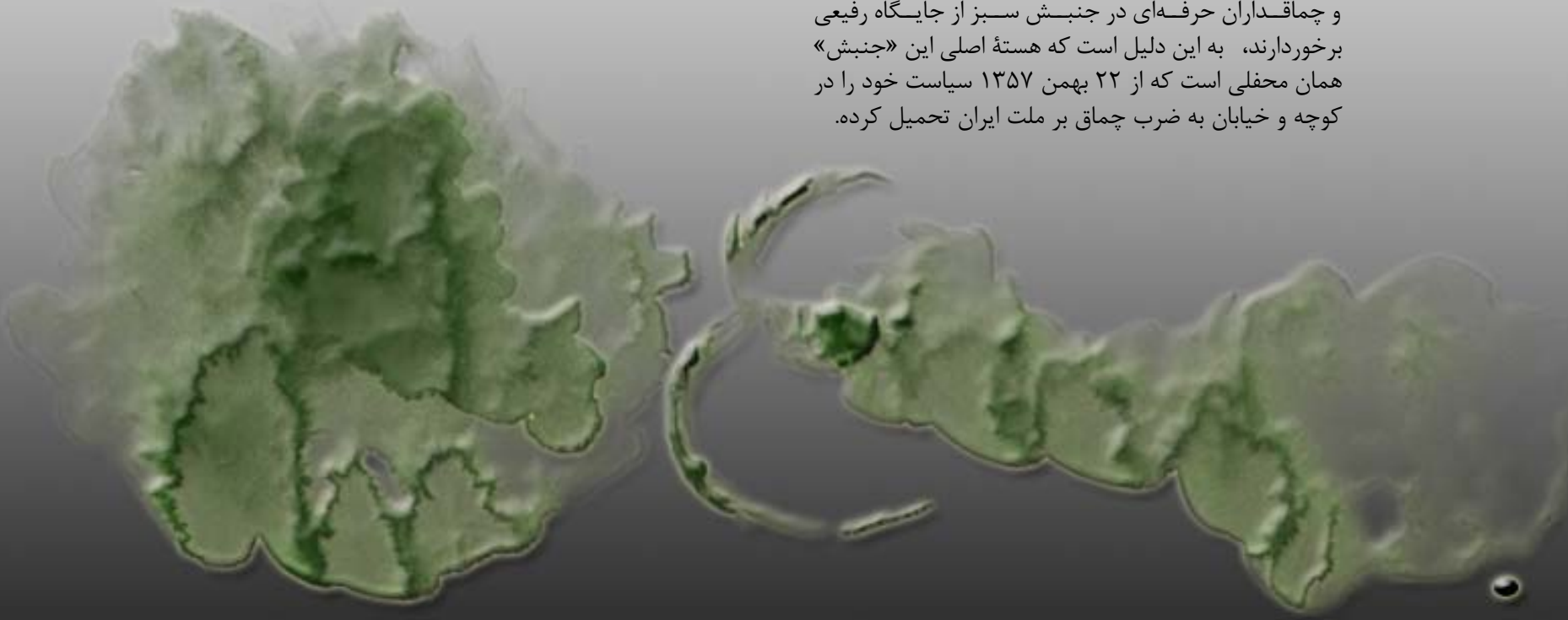
بله، چهارشنبه‌سوری «خرافی» است! در عوض مراسم شیعیان و به ویژه مراسم ویژه «چاه جمکران» کاملاً «عقلانی» است، و مبتنی بر اصول علمی، چرا که اگر پول ترفه و فشفشه به جیب آخوند مکارم نمی‌رود، نان چاه جمکران را ایشان زهرمار می‌فرمایند! از این گذشته، چهارشنبه‌سوری جشن و شادی و پایکوبی است، حال آنکه مراسم مسلمانان با تقوی در گریه و زوزه و شیون و زاری خلاصه می‌شود. بهتر است سرپرست مفلوک حنازچوبه این نکته مهم را بداند که ایرانیان برای برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری از گروه «فدائیان اسلام» و دیگر سگ‌های هار استعمار مجوز تقاضا نکرده‌اند. کشور ایران به ما ایرانیان تعلق دارد، نه به آخوند و اسلام و ادیان و عرفان و معنویت. پس بازگردیم به توحش و خشونت‌طلبی فرصت‌طلبانی که در سنگر حق «جنبش سبز» لنگر انداخته‌اند.



سردمداران این به اصطلاح «جنبش» همچون طرفداران شان «انسان‌ستیز»، فریب‌کار و مزوراند. اینان در کمال بیشرمی افراد را به دلیل خاستگاه اجتماعی شان تحقیر می‌کنند. در گیرودار «مسابقات انتخاباتی» نامه حاج فرج‌دباغ به محمود دولت‌آبادی را که فراموش نکرده‌ایم. با این «نامه» فیلسوف خیابانی گورکن‌ها راه و رسم توحش را به دیگر اعضای «سنگر حق» نشان داد و مطلب عمیق آخوند برقی در باب خاستگاه طبقاتی جنبش‌سبز، در واقع تداوم راه توحش همین حاج فرج دباغ است. برقی، در کمال بیشرمی فرودستان را، به دلیل فرودستی‌شان، خشونت‌طلب خوانده و آن‌ها را طرفدار احمدی‌نژاد معرفی می‌کند! حال باید از این متفکر باغ وحش موسام‌پرسیم، به چه دلیل شرایط تحمیلی را به ابزار نکوهش افراد تبدیل می‌کند. مگر خاستگاه طبقاتی «انتخابی» است؟

هیچکس نمی‌تواند طبقه اجتماعی، ملیت، نژاد، گرایش جنسی و خانواده خود را «انتخاب» کند، در نتیجه هیچکس را نمی‌توان به دلیل «فرودستی» سرزنش کرد، همچنان که از هیچکس نمی‌توان به دلیل «فراادستی» تجلیل به عمل آورد. یکی در خانواده مرفه متولد می‌شود، دیگری در فقر. کسی که در رفاه زندگی می‌کند، الزاماً شایسته ستایش نیست، چرا که در اینصورت همه قاچاقچیان مواد مخدر، دلالان اسلحه و صاحبان شریف روسپی‌خانه‌ها و به ویژه آخوندهای جمکران و توله‌های شان را می‌باید محترم و فرهیخته و با فرهنگ به شمار آوریم. و نهایت امر بر اساس اظهارات برقی، همه این افراد «محترم» را می‌باید در زمره حامیان جنبش‌سبز بدانیم، حال آنکه چنین نیست. اگر اراذل و اوباش و عربده‌جویان و چماقداران حرفه‌ای در جنبش سبز از جایگاه رفیعی برخوردارند، به این دلیل است که هسته اصلی این «جنبش» همان محفلی است که از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سیاست خود را در کوچه و خیابان به ضرب چماق بر ملت ایران تحمیل کرده.

بهتر است بگوئیم این محفل، طی سه دهه سیاست اربابان خود را در خیابان و با چوب و چماق به نمایش می‌گذارد، و امروز همین محفل در پوشش «جنبش سبز» قصد دارد خشونت و توحش خود را «باز تولید» کند. هدف این جنبش «نفی ایرانی» به عنوان «انسان» و لگدمال کردن «حق انتخاب آزاد» ایرانی است. به همین دلیل است که اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن می‌کوشند از طریق گسترش سرکوب در ایران، ایجاد اجماع کرده و یک «سنگر حق» فراگیر بیافرینند. چرا که در پس پرده هر سنگر حق مطالبات «برحق» استعمار نیز نهفته. و به همین دلیل است که اربابان حکومت در لندن و واشنگتن می‌کوشند، آخوندهای مؤنث را جایگزین مردان کنند. به موازات همین سیاست، قلم به مزدهای حکومت، هر آنچه که انسانی است، نظیر تصنیف‌های آغاسی را «مبتذل» می‌خوانند. در واقع با مبتذل خواندن یک تصنیف این «حق انتخاب آزاد» انسانی است که از سوی فعله فاشیسم مبتذل خوانده می‌شود، چرا که آهنگ‌های سوسن و آغاسی را به زور چماق و فتوی به کسی تحمیل نمی‌کردند. در سال‌های هیچ، یعنی سال‌های صدارت «هویدا»، همچنانکه پیشتر هم اشاره کردیم، موسیقی شهری و «رسمی» وارد عرصه معنویات و عرفان و پوچیات شده بود و خلاصه نوعی روضه و نوحه و مرثیه بود که به همراه ناله و ضجه آلات و ادوات تحت عنوان موسیقی به خورد مخاطب داده می‌شد. البته این سیاست رسمی وزارت فرهنگ و هنر بود که ریاست آن را پهلبد، و معاونت آن را یک ساواکی شریف و محترم به نام «یوسف.طن» عهده‌دار بودند.



از قضای روزگار در همین دوران خوش، ویگن، به عنوان اعتراض به مزاحمت‌های ساواک ایران را ترک کرد، دلکش در انزوا قرار گرفت و... و دیدیم که روضه‌خوانی رونق فراوان یافت. ویگن و دلکش در زمره هنرمندانی بودند که محور ترانه‌های‌شان انسان و احساسات انسانی بود و خلاصه در جستجوی «راز خلقت» و عشق‌های افلاطونی و زوزه و مرثیه و این جور چیزها شبانه روز عرق نمی‌ریختند.

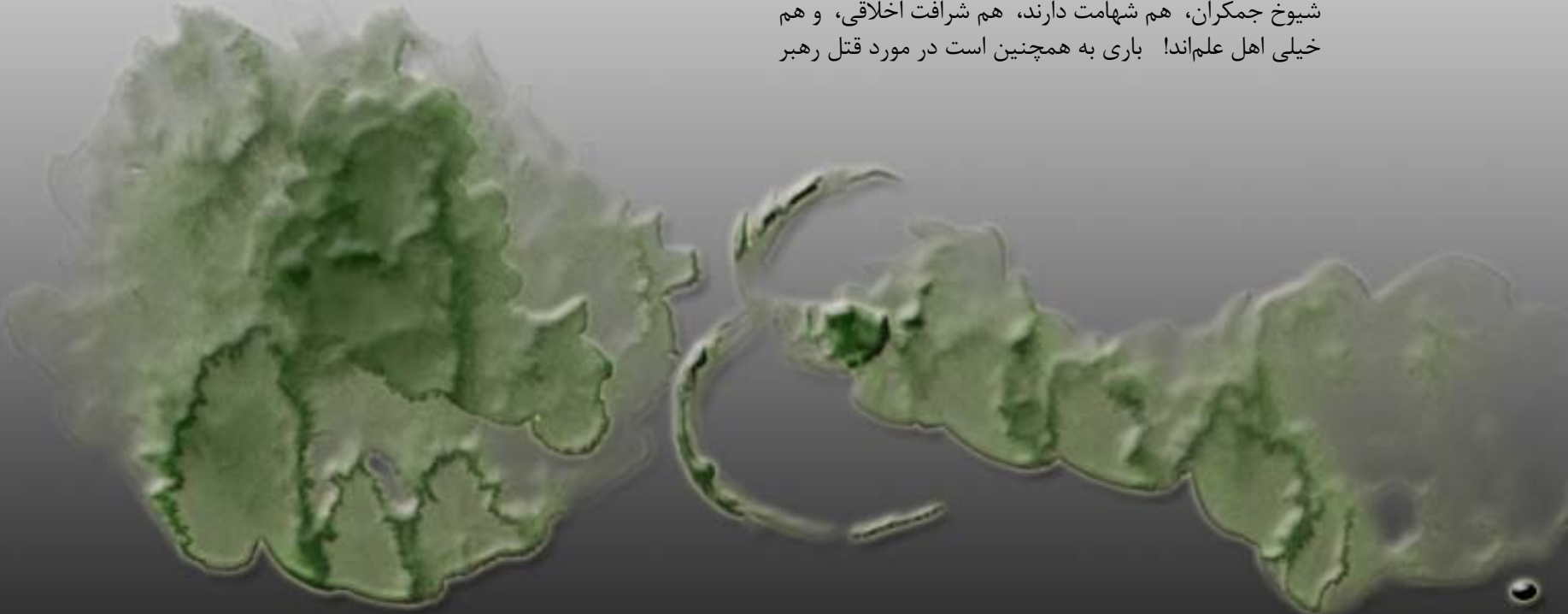
اگر فرصتی پیش آید به چند نمونه از ترانه‌های ویگن و دلکش اشاره خواهیم کرد. حال بازگردیم به برنامه فتوی صدوریدن خامنه‌ای در باب چهارشنبه سوری جهت ابتر کردن حرکت غیرقابل اجتناب دولت مهرورزی. این دولت در چارچوب سیاست‌های کلان استراتژیک ابرقدرت‌ها و به ویژه در تقابل با سیاست طالبان پرور حزب دمکرات آمریکا ناچار است از مقدسات دین و خط توحش امام فاصله بگیرد. همچنانکه در وبلاگ‌های پیشین گفتیم در راستای همین سیاست نیز حزب لائیک بعث عراق توانست در انتخابات شرکت کند و نزدیک شدن دولت مهرورزی به سوریه فقط در چارچوب همین سیاست میسر شده. این سیاستی است که پیروان خط امام، فدائیان اسلام و دیگر جیره خواران هیذاکسلنسی را در ایران، عراق، افغانستان و به ویژه در پاکستان به انزوا خواهد کشاند.

پیروزی حزب نوری‌المالکی در بصره، مقر لات‌بازی اوباش مقتدی صدر نمونه‌ای است از انزوای جیره‌خواران سنتی حاکمیت انگلستان. یادآور شویم مقتدی صدر رسماً تحت پیگرد قانونی است و از ترس در جمکران پناه گرفته و به «تحصیل» مشغول شده، می‌دانیم که اوباش کارخانه رجاله‌پروری، همچون شیوخ جمکران، هم شهادت دارند، هم شرافت اخلاقی، و هم خیلی اهل علم‌اند! باری به همچنین است در مورد قتل رهبر

«سپاه صحابه» در کشور «پاک‌ها». کشوری که از سال ۱۹۴۷، جهت تولید و پرورش تروریست‌های اسلام‌پرست در راستای سیاست «یک کشور، یک مذهب» آفریده شد، و همچون اسرائیل و حکومت جمکران در خدمت آستان مقدس سازمان سیا به بحران‌سازی و یکجانبه‌گرایی مشغول است.

وضعیت پاکستان همچنانکه گفتیم در دوران جنگ سرد «آینده حکومت ایران» را به نمایش می‌گذاشت. اما جنگ سرد دیگر به پایان رسیده و آنچه در پاکستان در حال فروپاشی است، یعنی طالبان‌پروری و تحمیل مقدسات بر روزمره جامعه، در ایران با شکست کودتای محفل ۲۲ بهمن در شرف تکوین است. هر چند رسانه‌های مخالف‌نما می‌کوشند تضعیف ملایان را در جامعه ایران واژگونه بنمایند، و هر قدر محافل وابسته به کلیسای کاتولیک در غرب برای نشان دادن آخوندهای مؤنث بجای پیروان مذکر و محتضر خط امام جست‌وخیز کنند راه به جایی نخواهند برد، چرا که حاکمیت اسرائیل، واتیکان و جناح هیلاری کلینتون در حزب دمکرات ایالات متحد صحنه را باخته‌اند.

کلیسای کاتولیک و شخص پاپ، به دلیل افشاگری‌های پیاپی رسانه‌ها پیرامون کودک‌باره‌گی کشیش‌ها و ارتباط پاپ با کودک‌باره‌گان «محترم» در عمل به لرزه درآمده. همچنین سفر جوزف بایدن به اسرائیل نیز با شکست روبرو شد. طی سفر دو روزه جوزف بایدن به اسرائیل و فلسطین، رسانه‌های غرب از قول نتانیاهو اعلام داشتند، «اسرائیل



واقع تیر خلاص را به رهبر محترم حکومت توحش شلیک می‌کند. با در نظر گرفتن عقب‌نشینی نتان‌یاهو و جناح هیلاری کلینتون در حزب دمکرات ایالات متحد که از متحدان واتیکان به شمار می‌رود، مقام معظم بزودی ناچار می‌شوند همچون نتان‌یاهو شکر خوری‌شان را «توجیه» فرموده، بگویند «منظور بدی» نداشته‌اند! اما اگر نتان‌یاهو می‌تواند عقب‌نشینی کند، این امکان برای خامنه‌ای وجود ندارد. مرگ تنها راهی است که در برابر کل حکومت توحش اسلامی قرار گرفته.

شهرک سازی را هرگز متوقف نخواهد کرد! یادآور شویم جوزف بایدن در ظاهر جهت «تشویق» مذاکرات صلح، و در واقع برای تخریب تلاش‌های «جرج میچل» در مسیر آغاز مذاکرات راهی منطقه شده بود. باری به محض انتشار سخنان نتان‌یاهو، هیلاری کلینتون برای حفظ ظاهر به جیغ و فریاد پرداخت، و گورکن‌ها و دیگر نوکران غرب در اتحادیه عرب از سر شوق وق‌زدن آغازیدند. اما امروز فرانس پرس اعلام داشت، «بنیامین نتان‌یاهو می‌گوید، منظور بدی نداشته و سیاست شهرک‌سازی متوقف می‌شود»، و اینگونه بود که حباب پروپاگاندا کذا نیز ترکید.

اگر بحران اقتصادی یونان و شرایط اسفبار دولت ترکیه را - این دولت هر روز از اتحادیه اروپا فاصله بیشتری می‌گیرد - در کنار این مجموعه شکست‌های استراتژیک و تزلزل غرب قرار دهیم خواهیم دید، گستره «اقتصادی - سیاسی» اروپای متحد آمریکا به تدریج محدود می‌شود. در صورت گسترش بحران در یونان خروج احتمالی این کشور از واحد پولی یورو، می‌تواند حتی گستره اقتصادی ارزی اروپا را کاهش دهد. و همچنین چشم‌انداز خروج قریب‌الوقوع ارتش ترکیه از قبرس، تضعیف ترکیه را نوید می‌دهد. یادآور شویم، اردوغان، نخست وزیر اسلام‌زده ترکیه، در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۸۸ برای عقب‌نشینی از منطقه ترک‌نشین قبرس به صورت مشروط - موفقیت مذاکرات رهبران دو بخش جزیره - اعلام آمادگی کرده بود.

در چنین وانفسائی است که امروز حنازرجوبه، با انتشار فتوی رهبر مفلوک حکومت جمکران در نفی چهارشنبه سوری در

